پژوهنده (مجله پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)
سال نوزدهم، شماره ۵، پی در پی ۱۰۱، صفحات ۲۵۹ تا ۲۶۶
آذر و دی ۱۳۹۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۴/۱
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۷/۲۷

# پیش‌بینی ناگویی هیجانی بر اساس اضطراب و سرشت و منش

*مرجان شاهی[۱]، دکتر محمدعلی محمدی‌فر[*۲]، دکتر محمود نجفی[۳]*

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران
۲. استادیار، گروه روان‌شناسی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران
۳. استادیار، گروه روان‌شناسی بالینی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران

## چکیده

**سابقه و هدف:** اصطلاح ناگویی هیجانی (Alexithymia) اولین بار در سال ۱۹۷۲ توسط سیفنئوس (Sifneos)، برای توصیف خوشه‌ای از نشانگان شامل کاهش توانایی برای نامیدن و ارتباط برقرار کردن با عواطف و پریشانی عاطفی، نشانگان جسمانی و افکار با جهت‌گیری بیرونی مطرح شد. مطالعه‌ی حاضر با هدف پیش‌بینی ناگویی هیجانی بر اساس اضطراب و سرشت و منش، در دانش‌آموزان دبیرستانی انجام شد.

**مواد و روش‌ها:** این پژوهش توصیفی، از نوع همبستگی بود. نمونه شامل ۳۰۰ (۱۵۲ دختر و ۱۴۸ پسر) دانش‌آموز دبیرستانی شهرستان سمنان بود که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی انتخاب شدند. در این پژوهش، از سه پرسشنامه‌ی ناگویی هیجانی تورنتو، پرسشنامه‌ی سرشت و منش کلونینجر و پرسشنامه‌ی صفت- حالت اضطراب، استفاده شد.

**یافته‌ها:** صفت و حالت اضطراب و سه زیر مقیاس خود راهبری، همکاری و پایداری سرشت و منش، نقش معناداری در پیش‌بینی ناگویی هیجانی دارند.

**نتیجه‌گیری:** این یافته‌ها بیانگر نقش و اهمیت سطح اضطراب و ویژگی‌های شخصیتی سرشت و منش در شناسایی بهتر افراد مبتلا به ناگویی هیجانی و حتی پیشگیری از بروز این مشکل می‌باشد.

**واژگان کلیدی:** ناگویی هیجانی، سرشت و منش، اضطراب

لطفاً به این مقاله به صورت زیر استناد نمایید:
Shahi M, Mohammadyfar MA, Najafi M. The Prediction of alexithymia on the basis of anxiety, temperament and character. Pejouhandeh 2014;19(5):259-266.

## مقدمه

اصطلاح ناگویی هیجانی (Alexithymia) اولین بار در سال ۱۹۷۲ توسط سیفنئوس (Sifneos) (۳-۱)، برای توصیف خوشه‌ای از نشانگان شامل کاهش توانایی برای نامیدن و ارتباط برقرار کردن با عواطف و پریشانی عاطفی، نشانگان جسمانی و افکار با جهت‌گیری بیرونی مطرح شد (۴). چهار ویژگی اساسی ناگویی هیجانی عبارتند از: ۱) دشواری در شناسایی و توصیف احساسات، ۲) دشواری در تمایزگذاری بین احساسات و حواس جسمانی ناشی از برانگیختگی هیجانی، ۳) محدودیت در پردازش تصوری که توسط کمبود و نقص در خیال‌پردازی درک می‌شود و ۴) سبک شناختی با جهت‌گیری بیرونی (۹-۵). ناگویی هیجانی، افراد را در معرض خطر بالاتری برای اختلالات پزشکی و روان‌پزشکی قرار می‌دهد و منجر به کاهش کیفیت زندگی در افراد می‌شود (۱۱،۱۰). شناخت بهتر و دقیق‌تر ناگویی هیجانی می‌تواند در یاری رساندن به این بیماران به ما کمک کند. شناخت مناسب، تنها در صورت یافتن متغیرهای وابسته و پیش‌بینی‌کننده‌ی این اختلال امکان پذیر می‌باشد. یکی از متغیرهایی که رابطه‌ی آن با ناگویی هیجانی در مطالعات مختلف مورد بررسی قرار گرفته است، سرشت و منش (Temperament and Character) می‌باشد. در پژوهش‌های گوناگون رابطه‌ی معناداری بین ناگویی هیجانی و سرشت و منش به دست آمده است. نظریه‌ی سرشت و منش توسط Cloninger مطرح شده است. طبق این نظریه، شخصیت از چهار بعد سرشت شامل نوجویی (Novelty seeking)، آسیب پرهیزی (Harm avoidance)، پاداش- وابستگی (Reward dependence) و پایداری (Persistence) و سه بعد منش شامل خودراهبری

*نویسنده مسؤول مکاتبات: دکتر محمدعلی محمدی‌فر؛ استادیار، گروه روان‌شناسی، دانشگاه سمنان؛ پست الکترونیک: alimohammadyfar@yahoo.com

[ Downloaded from pajoohande.sbmu.ac.ir on 2025-11-03 ]

(Self-directiveness)، همکاری (Co-Operativeness) و خودفراروی (Self-transcedence) تشکیل شده است. سرشت، نشاندهنده‌ی پاسخ خودکار به پردازش اطلاعات است و ارثی می‌باشد. این در حالی است که منش، تحول و رشد شخصیت را در بافت یادگرفتن و تجارب محیطی، نشان می‌دهد. در این زمینه، پژوهشگرانی همچون Lee و همکاران (۱۲)، Evren و همکاران (۱۳)، Camcelikel و همکاران (۱۴)، Grabe و همکاران (۱۵) به این نتیجه رسیده‌اند که رابطه‌ی معناداری بین ناگویی هیجانی و سرشت و منش وجود دارد.

متغیر دیگری که در مطالعات مختلف در ارتباط با ناگویی هیجانی مورد مطالعه قرار گرفته است، اضطراب می‌باشد. اضطراب ناراحتی ذهنی دردناکی است که از پیش‌بینی آسیب‌ها و شکست‌های احتمالی نتیجه می‌شود (۱۶). در تعداد زیادی از مطالعات، وجود رابطه بین ناگویی هیجانی و اضطراب به اثبات رسیده است، که از آن جمله می‌توان به پژوهشگرانی همچون Espina Eizaguivre و همکاران (۶)، Tselebis و همکاران (۱۷)، مظاهری و افشاری (۱۸)، Berthoz و همکاران (۱۹)، مکوندی و همکاران (۲۰،۲۱) و Karukivi و همکاران (۲۲) اشاره کرد. ناگویی هیجانی در بسیاری از اختلالات طبی و روانی اهمیت داشته و نقش بسیار مهمی به عنوان پیش‌بینی‌کننده‌ی مرگ و میر دارد (۲۳). پژوهش حاضر، با توجه به این نکته‌ی مهم انجام شد که پیشگیری مناسب، تنها در صورت شناخت عوامل مؤثر و پیش‌بینی‌کننده‌ی اختلال، امکان‌پذیر است. همچنین باید توجه داشت، گرچه تاکنون مطالعات زیادی در رابطه با ناگویی هیجانی صورت گرفته است، اما مطالعات اندکی به منظور شناسایی عوامل پیش‌بینی‌کننده‌ی ناگویی هیجانی، انجام شده است. علاوه بر این، بیشتر این مطالعات، روی جمعیت بالینی و افراد مبتلا به بیماری روانی انجام شده و این صفت هیجانی، کمتر در جمعیت بهنجار مورد بررسی قرار گرفته است. بنابراین، انجام این پژوهش می‌تواند به افزایش شناخت ما نسبت به این سازه، به خصوص در جمعیت غیربالینی و به طور مشخص، نوجوانان منتهی شود. سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که، "آیا سرشت و منش و اضطراب می‌توانند پیش‌بینی‌کننده‌ی ناگویی هیجانی باشند یا خیر؟"

## مواد و روش‌ها

طرح این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل تمامی دانش‌آموزان دختر و پسر دبیرستانی شهرستان سمنان بود. حجم نمونه با استفاده از نرم‌افزار G power، برابر با ۳۰۰ نفر به دست آمد و اعضای نمونه (۱۵۲ دختر و ۱۴۸ پسر) به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. به این ترتیب که ابتدا از بین دبیرستان‌های شهرستان سمنان، ۸ دبیرستان (۴ دبیرستان دخترانه و ۴ دبیرستان پسرانه) به طور تصادفی انتخاب شدند. سپس از هر دبیرستان، ۲ کلاس به طور تصادفی انتخاب شدند و پرسشنامه‌های زیر به شکل تصادفی در بین تعدادی از دانش‌آموزان آن کلاس‌ها توزیع گردید:

**پرسشنامه‌ی ناگویی هیجانی تورنتو (Toronto Alexithymia Scale)**. این پرسشنامه در سال ۱۹۸۶ توسط Taylor ساخته شد و در سال ۱۹۹۴ توسط Bagby و همکاران، مورد تجدید نظر قرار گرفت (۲۴). این پرسشنامه، محصول ۳ فاکتور دشواری در شناسایی احساسات (۷ ماده)، مشکل در توصیف احساسات (۵ ماده) و افکار با جهت‌گیری بیرونی (۸ ماده) است (۲۵) و جمعاً دارای ۲۰ ماده بوده و هر ماده در یک طیف ۵ درجه‌ای لیکرت از یک (کاملاً مخالفم) تا پنج (کاملاً موافقم) نمره‌گذاری می‌شود. ضریب آلفای کرونباخ برای ناگویی هیجانی برابر با ۰/۸۵ و برای ۳ زیر مقیاس دشواری در شناسایی احساسات، دشواری در توصیف احساسات و افکار با جهت‌گیری بیرونی، به ترتیب برابر با ۰/۸۲، ۰/۷۵ و ۰/۷۲ به‌دست آمده است که نشانه‌ی همسانی درونی مناسب مقیاس می‌باشد (۲۶). در مطالعه‌ای دیگر که توسط بشارت و همکاران (۲۰۰۶) برای بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه‌ی فارسی این پرسشنامه انجام شد، ضریب آلفای کرونباخ برای نمره‌ی کل TAS-20، دشواری در شناسایی احساسات، دشواری در توصیف احساسات و افکار با جهت‌گیری بیرونی، به ترتیب برابر با ۰/۸۳، ۰/۸، ۰/۷۳ و ۰/۷۱ به دست آمد. برای بررسی پایایی آزمون- باز آزمون این پرسشنامه نیز، ۶۳ بیمار (۴۶ مرد و ۱۷ زن) پرسشنامه را دو بار به فاصله‌ی ۲ هفته تکمیل نمودند و ضریب همبستگی پیرسون برای نمره‌ی کل برابر با ۰/۷۹ و برای ۳ زیر مقیاس آن، بین ۰/۶۲ تا ۰/۶۹ به دست آمد (۲۷).

**پرسشنامه‌ی سرشت و منش (Temperament and Character Inventory)**. پرسشنامه‌ی سرشت و منش (TCI) یک پرسشنامه‌ی خودگزارشگر است که توسط Cloninger برای تعیین تفاوت‌های فردی در هر یک از ابعاد سرشت و منش، طراحی شده است (۲۸). این پرسشنامه، کاغذ- مدادی است و آزمودنی به صورت بلی یا خیر به سؤال‌های آن پاسخ می‌دهد. سؤال‌ها در مورد علایق، تمایلات،

[ Downloaded from pajoohande.sbmu.ac.ir on 2025-11-03 ]

نگرش‌ها، واکنش‌های هیجانی، اهداف و ارزش‌های فرد می‌باشد. طراحی سؤالات به گونه‌ای است که با توجه به محتوای عبارت، پاسخ صحیح یا غلط می‌تواند موجب افزایش نمره در یک مقیاس گردد. این طراحی به این منظور صورت گرفته است که تأثیر پاسخ‌دهی ردیفی را در نتایج، کاهش دهد (۲۹). پرسشنامه‌ی TCI به زبان‌های مختلف ترجمه و هنجاریابی شده است که از آن جمله می‌توان به هنجاریابی انجام شده توسط Pelissolo و Lepine در فرانسه اشاره کرد (۳۰). علاوه بر این، نسخه‌ی فرانسوی TCI در بلژیک نیز هنجاریابی شده است. همین‌طور، هنجاریابی در چک، ترکیه و اسپانیا نیز صورت گرفته است (۳۱). این پرسشنامه، در ایران نیز توسط کاویانی و پورناصح اعتباریابی و هنجارسنجی شده است (۳۲). نتایج همبستگی بین نمرات مقیاس‌ها در آزمون- بازآزمون نشان می‌دهد که مقیاس‌های هفت گانه‌ی TCI دارای پایایی قوی هستد به این معنا که این مقیاس در شرایط مختلف، نتایج یکسانی را به دست می‌دهد. ضریب پایایی آزمون- بازآزمون به دست آمده برای هر یک از ابعاد، عبارت بود از: ۰/۸۶ برای تازگی‌جویی، ۰/۸۸ برای آسیب‌پرهیزی، ۰/۷۳ برای پاداش- وابستگی، ۰/۷۹ برای پایداری، ۰/۸۶ برای همکاری، ۰/۹ برای خودراهبری و ۰/۸۶ برای خودفراروی. نتایج مربوط به همبستگی مقیاس‌ها، نشانگر آن است که همبستگی معنادار بالاتر از ۰/۴ بین تازگی‌جویی، پایداری، آسیب‌پرهیزی و پاداش- وابستگی وجود ندارد که این امر نشان می‌دهد، چهار بعد سرشت از یکدیگر مستقل هستند. به علاوه، بین ابعاد سرشت و منش همبستگی‌های ضعیف تا متوسط (کمتر از ۰/۴) وجود دارد البته به جز همبستگی خودراهبری و آسیب‌پرهیزی که بیش از ۰/۴ است. در بین ابعاد منش نیز تنها همبستگی بالاتر از ۰/۴، مربوط به همکاری و خودراهبری بود (۳۲).

**پرسشنامه‌ی اضطراب صفت- حالت اشپیلبرگر (Spielberger State- Trait Anxiety Inventory- STAI).** نخستین فرم پرسشنامه‌ی صفت- حالت اضطراب، (STAI-X) در سال ۱۹۷۰ توسط Spielberger، Gorsush، Lushene، Vagg و Jacob ساخته شد (۳۳). این پرسشنامه، شامل دو زیر مقیاس ۲۰ ماده‌ای صفت و حالت می‌باشد (جمعاً ۴۰ ماده) (۳۵،۳۴). در مقیاس حالت اضطراب، هدف اصلی، اندازه‌گیری اضطراب با شدتی از کم به زیاد است. یعنی نمره‌های پایین، بیانگر احساس آرامش، نمره‌های متوسط بیانگر سطوح متوسط تنش و نگرانی و نمره‌های بالا، انعکاسی از ترس شدید نزدیک به وحشت و هراس است. در پاسخ به این مواد، آزمودنی‌ها شدت احساس خود را در یک مقیاس ۴ درجه‌ای (اصلاً، تاحدی، متوسط و خیلی زیاد) در زمانی خاص نشان داده و بیان می‌دارند که به طور کلی چه احساسی دارند. اما در پاسخ به زیرمقیاس صفت اضطراب، از شرکت‌کنندگان خواسته می‌شود در یک مقیاس ۴ درجه‌ای (تقریباً هیچ وقت، گاهی، غالباً و تقریباً همیشه) نشان دهند که به طور کلی چه احساسی دارند (۳۳). پایایی درونی این پرسشنامه، بسیار خوب و به طور متوسط بالاتر از ۰/۸۹ می‌باشد. زیرمقیاس صفت نیز پایایی آزمون- باز آزمون بسیار خوبی (۰/۸۸= میانگینr) را در فواصل زمانی چندگانه نشان می‌دهد. اما همان‌گونه که با توجه به ماهیت زیرمقیاس حالت اضطرب انتظار می‌رود، پایایی زمانی ذکر شده برای این زیرمقیاس، کمتر (۰/۷= میانگینr) می‌باشد (۳۵).

## یافته‌ها

نمونه‌ی این پژوهش، در محدوده‌ی سنی ۱۴ تا ۱۸ سال قرار داشتند و ۵۰/۷ درصد آنها دختر و ۴۹/۳ درصدشان پسر بودند. همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود بین ناگویی هیجانی و حالت (P<۰/۰۰۱، r=۰/۶۷) و صفت (P<۰/۰۰۱، r=۰/۶۷) اضطراب همبستگی مثبت معناداری وجود دارد. همچنین، بین ناگویی هیجانی و زیرمقیاس‌های سرشت و منش نیز همبستگی معناداری وجود دارد که این همبستگی به جز در زیر مقیاس آسیب‌پرهیزی، در سایر زیر مقیاس‌ها معکوس است (نوجویی: P<۰/۰۰۱، r= -۰/۳۹؛ آسیب‌پرهیزی: P<۰/۰۰۱، r= ۰/۳۸؛ خودراهبری: P<۰/۰۰۱، r= -۰/۵۸؛ همکاری: P<۰/۰۰۱، r=-۰/۴۴؛ پایداری: P<۰/۰۰۱، r= -۰/۱۸؛ پاداش وابستگی: P<۰/۰۰۱، r= -۰/۲۱ و خود فراروی: P<۰/۰۰۱، r= -۰/۳۳).

به منظور تعیین نقش صفت و حالت اضطراب در پیش‌بینی ناگویی هیجانی، از رگرسیون گام به گام استفاده شد (جدول ۲). در گام اول، زیرمقیاس اضطراب حالت وارد معادله‌ی رگرسیون شده است. این متغیر به تنهایی، ۴۵ درصد از واریانس ناگویی هیجانی را تبیین می‌کند (R=۰/۶۷). در گام دوم، زیرمقیاس اضطراب صفت نیز وارد معادله شده است. با ورود این متغیر، ضریب تعیین ۳ درصد افزایش یافته است (R=۰/۶۹). حالت و صفت اضطراب، نقش معناداری در پیش‌بینی ناگویی هیجانی دارد. به منظور تعیین نقش سرشت و منش در پیش‌بینی ناگویی هیجانی، از رگرسیون گام به گام استفاده شد (جدول ۳). در گام اول، زیرمقیاس خودراهبری سرشت و منش، وارد معادله‌ی رگرسیون شده است. این متغیر

[ Downloaded from pajoohande.sbmu.ac.ir on 2025-11-03 ]

به تنهایی، ۲۹ درصد از واریانس ناگویی هیجانی را تبیین می‌کند (R=۰/۵۴). در گام دوم، زیرمقیاس همکاری نیز وارد معادله شده است. با ورود این متغیر، ضریب تعیین ۵ درصد افزایش یافته است (R=۰/۵۹). در گام سوم نیز زیرمقیاس پایداری سرشت و منش، وارد معادله‌ی رگرسیون شده است. با ورود این متغیر، ضریب تعیین، ۲ درصد افزایش یافته است (R=۰/۶۱). همان‌طور که مشاهده شد، زیرمقیاس‌های نوجویی، آسیب‌پرهیزی، پاداش- وابستگی و خودفراروی، وارد معادله نشده‌اند، بنابراین نقش معناداری در پیش‌بینی ناگویی هیجانی ندارند.

**جدول ۱. ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش.**

| متغیرها | دشواری در توصیف هیجانات | دشواری در شناسایی هیجانات | افکار با جهت‌گیری بیرونی | نمره‌ی کل ناگویی هیجانی | حالت اضطراب | صفت اضطراب | نمره‌ی کل اضطراب | نوجویی | آسیب- پرهیزی | خودراهبری | همکاری | پایداری | پاداش وابستگی |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| دشواری در توصیف هیجانات | ۱ | | | | | | | | | | | | |
| دشواری در شناسایی هیجانات | ۰/۵۵** | ۱ | | | | | | | | | | | |
| افکار با جهت‌گیری بیرونی | ۰/۲۲** | ۰/۳۷** | ۱ | | | | | | | | | | |
| نمره‌ی کل ناگویی هیجانی | ۰/۷۷** | ۰/۸۷** | ۰/۶۸** | ۱ | | | | | | | | | |
| حالت اضطراب | ۰/۴۹** | ۰/۶۲** | ۰/۴۳** | ۰/۶۷** | ۱ | | | | | | | | |
| صفت اضطراب | ۰/۴۸** | ۰/۶۴** | ۰/۴۰** | ۰/۶۷** | ۰/۸۶ | ۱ | | | | | | | |
| نمره‌ی کل اضطراب | ۰/۵۰** | ۰/۶۵** | ۰/۴۳** | ۰/۶۹** | ۰/۹۶** | ۰/۹۷** | ۱ | | | | | | |
| نوجویی | -۰/۲۴** | -۰/۳۷** | -۰/۲۸** | -۰/۳۹** | -۰/۴۳** | -۰/۴۴** | -۰/۴۵** | ۱ | | | | | |
| آسیب پرهیزی | ۰/۲۶** | ۰/۳۸** | ۰/۲۳** | ۰/۳۸** | ۰/۵۵** | ۰/۶۱** | ۰/۶۱** | -۰/۱۵* | ۱ | | | | |
| خود راهبری | -۰/۳۸** | -۰/۵۵** | -۰/۳۳** | -۰/۵۸** | -۰/۵۹** | -۰/۶۵** | -۰/۶۵** | ۰/۴۶** | -۰/۵۶** | ۱ | | | |
| همکاری | -۰/۲۹** | -۰/۳۴** | -۰/۴۲** | -۰/۴۴** | -۰/۴۶** | -۰/۴۳** | -۰/۴۶** | ۰/۴۶** | -۰/۲۹** | ۰/۴۵** | ۱ | | |
| پایداری | -۰/۱۱ | -۰/۱۵* | -۰/۱۷** | -۰/۱۸** | -۰/۱۷** | -۰/۱۶** | -۰/۱۷** | ۰/۲۴** | -۰/۱۰ | ۰/۰۷ | ۰/۱۴* | ۱ | |
| پاداش وابستگی | -۰/۱۷** | -۰/۱۲ | -۰/۲۱** | -۰/۲۱** | ۰-/۱۶** | -۰/۱۳** | -۰/۱۵* | ۰/۰۹ | -۰/۰۲ | ۰/۱۱ | ۰/۴۷** | ۰/۰۳ | ۱ |
| خود فراروی | -۰/۲۳** | -۰/۲۰ | -۰/۳۸** | -۰/۳۳** | -۰/۳۷** | -۰/۳۱** | -۰/۳۵** | ۰/۲۲** | -۰/۲۸** | ۰/۲۲** | ۰/۵۳** | ۰/۲۴** | ۰/۳۳** |

*P<۰/۰۵، **P<۰/۰۱.

**جدول ۲. جدول ضرایب رگرسیون گام به گام ناگویی هیجانی بر اساس مؤلفه‌های اضطراب.**

| متغیرها | B | β | R | $R^2$ | خطای استاندارد برآورد |
|---|---|---|---|---|---|
| اضطراب حالت | ۰/۳۰ | ۰/۳۸ | ۰/۶۹ | ۰/۴۸ | ۸/۷۳ |
| اضطراب صفت | ۰/۲۴ | ۰/۳۴ | | | |

**جدول ۳. جدول ضرایب رگرسیون گام به گام ناگویی هیجانی بر اساس مؤلفه‌های سرشت و منش.**

| متغیرها | B | β | R | $R^2$ | خطای استاندارد برآورد |
|---|---|---|---|---|---|
| خودراهبری | -۱/۰۱ | -۰/۴۱ | ۰/۶۱ | ۰/۳۷ | ۹/۹۲ |
| همکاری | -۰/۶۶ | -۰/۲۴ | | | |
| پایداری | -۱/۵۶ | -۰/۱۶ | | | |

[ Downloaded from pajoohande.sbmu.ac.ir on 2025-11-03 ]

## بحث

هدف از پژوهش حاضر، پیش‌بینی ناگویی هیجانی بر اساس اضطرب و سرشت و منش بود. نتایج این پژوهش، بیانگر توانایی پیش‌بینی سرشت و منش برای ناگویی هیجانی بود. در همین ارتباط، از هفت زیرمقیاس آن، سه زیرمقیاس خودراهبری، همکاری و پایداری، توانایی پیش‌بینی ناگویی هیجانی را داشتند. این یافته، با بخشی از یافته‌های پژوهش‌های انجام شده توسط Lee و همکاران (۱۲)، Evren و همکاران (۱۳)، Camcelikel و همکاران (۱۴)، Grabe و همکاران (۱۵) همسو و با بخشی از آن ناهمسو است. همه‌ی این پژوهشگران در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که زیرمقیاس خودراهبری و همکاری، پیش‌بینی‌کننده‌ی مستقل ناگویی هیجانی می‌باشد. در مورد موارد ناهمخوان، آنها به این نتیجه رسیده‌اند که پاداش-وابستگی و خودفراروی نیز، ناگویی هیجانی را پیش‌بینی می‌کنند. در تبیین قدرت پیش‌بینی سرشت و منش، می‌توان گفت افرادی که در زیرمقیاس خود-راهبری، نمره‌ی پایینی دریافت می‌کنند، بیشتر متکی به انگیزه‌های بیرونی هستند تا انگیزه‌های درونی و هدفمندی و جهت‌گیری روشنی در زندگی و کار نداشته (۳۶) و افرادی نابالغ و غیرمسؤول هستند و به شکل نامناسبی اجتماعی شده‌اند (۱۵). ویژگی‌های فوق را می‌توان در افراد دارای صفت ناگویی هیجانی نیز یافت. به‌عنوان مثال، افکار با جهت‌گیری بیرونی و افکار سودگرایانه در رابطه با جزئیات وقایع بیرونی در افراد دارای صفت هیجانی ناگویی هیجانی نیز دیده می‌شود. در واقع این افراد، به علت کمبود هیجانات و یا ناتوانی در شناخت آن، از غنای درونی پایینی برخوردار بوده و برای جبران این کاستی، به سمت دنیای فیزیکی و محدود جهت‌گیری می‌کنند (۳۷). مسلماً چنین فردی احساس بیهودگی و تهی بودن می‌کند و اعتماد به نفس خود را از دست می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، ویژگی افراد دارای صفت ناگویی هیجانی، با خصوصیات افراد با نمره‌ی پایین خودراهبری، بسیار به هم مشابه است. همین امر، می‌تواند علت مرتبط بودن و همچنین قابلیت پیش‌بینی خودراهبری نسبت به ناگویی هیجانی باشد. در تبیین رابطه‌ی ناگویی هیجانی با زیرمقیاس همکاری، می‌توان این‌گونه توضیح داد که افرادی که در این زیرمقیاس، نمره‌ی پایین می‌آورند، تمایل به کار گروهی ندارند، احساس دیگران چندان برایشان مهم نیست، رفتار صمیمانه ندارند، نمی‌توانند با دیگران همدلی کنند و در نظر دیگران خودپسند و خودخواه جلوه می‌کنند (۳۶). افراد دارای صفت ناگویی هیجانی، در شناسایی صحیح هیجانات از چهره و حالات دیگران، مشکل دارند. شناخت صحیح هیجانات، از اجزای تفکیک ناپذیر روابط بین شخصی محسوب می‌شود. نارسایی در شناخت صحیح هیجانات، فرد را با مشکلات متعددی در روابط بین شخصی مواجه می‌سازد. برای مثال، برقراری روابط صمیمی و همدلانه با دیگران، مستلزم توانایی شناخت هیجانات و عواطف خود و دیگران است. بنابراین نقص و ناتوانی در شناخت هیجانات، باعث به وجود آمدن مشکلات بین شخصی و نقص در همدلی می‌شود (۳۹،۳۸). با توجه به مطالب فوق می‌توان گفت که ناگویی هیجانی از طریق نقص و ناتوانی در شناخت هیجان‌ها و ارتباط برقرار کردن با دیگران با زیر مقیاس همکاری مرتبط می‌باشد (۳۹).

در تبیین رابطه‌ی ناگویی هیجانی با پشتکار می‌توان به این موضوع اشاره کرد که افرادی که در زیر مقیاس پشتکار نمره‌ی پایینی دریافت می‌کنند دارای خصوصیاتی مانند تطابق‌پذیری کم، آمادگی برای دلسردی در برابر سختی‌ها و انتقادات و عدم تلاش برای گسترش و عمق بخشیدن به کارها هستند (۳۶). لازم به ذکر است افراد مبتلا به ناگویی هیجانی، در بیشتر موارد نمی‌توانند بین حافظه‌ی خود و موقعیت‌های خاص، پیوند برقرار کنند (۴۰) و در ارتباط دادن هیجاناتشان با موقعیت‌ها و یا پیشایندهای موقعیتی، مشکل دارند (۴۱). همین امر باعث می‌شود زمانی که در موقعیت‌های پیچیده و دشوار قرار می‌گیرند، نتوانند با استفاده از اطلاعات و تجاربی که در موقعیت‌های مشابه گذشته کسب کرده‌اند با بحران مقابله کرده و مشکل ایجاد شده را حل کنند. به همین دلیل، دچار دلسردی و یأس شده و در کارها، پایداری و تلاش لازم را از خود نشان نمی‌دهند. همین امر می‌تواند علت ارتباط بین ناگویی هیجانی با زیر مقیاس پشتکار باشد.

یافته‌ها در مورد پیش‌بینی‌کنندگی اضطراب نشان داد که این متغیر، پیش‌بینی‌کننده‌ی مناسبی برای ناگویی هیجانی می‌باشد. این یافته، با نتایج تحقیقات Espina Eizaguirve و همکاران (۶)، Tselebis و همکاران (۱۷)، مظاهری و افشاری (۱۸)، Berthoz و همکاران (۱۹)، مکوندی و همکاران (۲۱،۲۰)، Karukivi و همکاران (۲۲) و تقوی و همکاران (۴۲) همخوان است. این پژوهشگران به این نتیجه رسیده‌اند که اضطراب نیز توانایی پیش‌بینی ناگویی هیجانی را داشته و همبستگی معناداری با آن دارد.

در تبیین قدرت پیش‌بینی اضطراب می‌توان استدلال کرد که ناگویی هیجانی یک ویژگی شناختی- عاطفی است و فرد مبتلا به آن در تنظیم و فهم هیجانات خود ناتوان است.

[ Downloaded from pajoohande.sbmu.ac.ir on 2025-11-03 ]

زمانی‌که اطلاعات هیجانی نتوانند در فرآیند پردازش شناختی، ادراک و ارزشیابی گردند، افراد از نظر عاطفی و شناختی دچار آشفتگی و درماندگی شده و این ناتوانی می‌تواند سازمان عواطف و شناخت‌های آنها را مختل سازد. این افراد به دلیل عدم آگاهی هیجانی و ناتوانی در پردازش شناختی احساسات خود، معمولاً قادر به شناسایی، درک و یا توصیف هیجانات خویش نبوده و توانایی محدودی برای سازگاری با شرایط تنش‌زا دارند. یکی از روش‌های کنترل تنش به خصوص در رابطه با هیجانات منفی، تخلیه و بیان هیجان ناشی از تنش است. در صورتی که این هیجانات تخلیه نگردند و فرد نتواند احساسات منفی خود را به صورت کلامی بیان کند، جزء روان‌شناختی سیستم‌های ابراز هیجان و پریشانی روانی از جمله اضطراب، افزایش می‌یابد. افرادی که توانایی شناخت احساسات خود را دارند و حالات هیجانی خود را به‌گونه‌ی مؤثری ابراز می‌کنند، بهتر می‌توانند با مشکلات زندگی روبرو شده و در سازگاری با محیط و دیگران، موفق‌ترند که در نتیجه‌ی آن، از سلامت روانی بیشتری برخوردار خواهند بود. معمولاً برانگیختگی هیجانی با برانگیختگی فیزیولوژیک همراه است. علایم جسمی مثل خستگی، درد قفسه‌ی سینه، ناراحتی شکم و سرگیجه، از معیارهای تشخیصی اختلالات اضطرابی و افسردگی می‌باشند. بر این اساس، افراد مضطرب برای کنترل احساس ترسی که به خاطر واکنش‌های جسمی ناشی از اضطراب ایجاد می‌شود، تجارب هیجانی خود را محدود نموده و از ابراز پاسخ‌های هیجانی خودداری می‌کنند (۱۸). همچنین می‌توان اینگونه استنتاج کرد که ناگویی هیجانی نوعی دفاع حفاظتی در برابر اثرات دردناک و ناراحت‌کننده‌ی اضطراب می‌باشد و در واقع فرد مضطرب تلاش می‌کند تا توسط عدم درک و بازشناسی هیجانات که در عارضه‌ی ناگویی هیجانی دیده می‌شود، از آشفتگی‌های ناشی از اضطراب اجتناب کند (۴۳).

## نتیجه‌گیری

به طور کلی یافته‌های پژوهش حاکی از اهمیت متغیرهای مورد پژوهش در پیش‌بینی ناگویی هیجانی است. بنابراین بررسی میزان اضطراب و ویژگی‌های سرشت و منش افراد می‌تواند در شناسایی و پیش‌بینی ناگویی هیجانی، کمک شایانی نماید.

یکی از محدودیت‌های پژوهش حاضر، استفاده از پرسشنامه به عنوان تنها ابزار تحقیق بود. از آنجایی که افراد مبتلا به ناگویی هیجانی در بیان عواطف و هیجانات خود مشکل دارند، این احتمال وجود دارد که پرسشنامه نتواند به خوبی این افراد را مورد ارزیابی قرار دهد. علاوه بر این، پژوهش حاضر روی دانش‌آموزان انجام شده است و نمی‌توان آن را به سایر گروه‌های سنی، تعمیم داد. با توجه به محدودیت‌های موجود، پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آتی، از یک مصاحبه‌ی بالینی به همراه پرسشنامه، به منظور تشخیص بهتر استفاده شود. همچنین تکرار این پژوهش با نمونه‌ی بزرگتر و افراد با گروه‌های سنی متنوع، به منظور تعمیم بهتر نتایج، پیشنهاد می‌شود. به علاوه، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده، این صفت هیجانی در بین جمعیت‌های بهنجار و بالینی، مقایسه گردد.

## *REFERENCES*

1. Lesser IR. A review of the alexithymia concept. Psychosom Med 1981; 43(6): 531-43.

2. Lemche E, Brammer MJ, David AS, Surguladze SA, Phillips ML, Sierra M, *et al*. Interoceptive-reflective regions differentiate alexithymia traits in depersonalization disorder. Psychiatry Res 2013; 214: 66-72.

3. Besharat MA. Relationship of alexithymia with coping styles and interpersonal problems. Procedia Soc Behav Sci 2010; 5: 614-8.

4. Carpenter KM, Addis ME. Alexithymia, gender, and responses to depressive symptoms. Sex Roles 2000; 43(9-10): 37-52.

5. Badura AS. Theorical and empirical exploration of the similarities between emotional numbing in post-traumatic stress disorder and alexithymia. J Anxiety Disord 2003; 17: 349-60.

6. Espina Eizaguirve A, Saenz de Cabezon AO, de Alda IO, Joaristi Olariaga L, Juaniz M. Alexithymia and its relationships with anxiety and depression in eating disorders. Pers Individ Dif 2004; (36): 321-31.

7. Zimmermann G, Rossier J, de Stadelhofen FM, Gaillard F. Alexithymia assessment and relations with dimension of personality. Eur J Psychol Assess 2005; 21(1): 23-33.

8. De Haan H, Joosten E, Wijdeveld T, Boswinkel P, der Palen JV, De Jong C. Alexithymia is not a stable personality trait in patients with substance use disorders. Psychiatry Res 2012; 198: 123-9.

9. Zarei J, Besharat MA. Alexithymia and interpersonal problems. Procedia Soc Behav Sci 2010; 5: 619-22.

[ Downloaded from pajoohande.sbmu.ac.ir on 2025-11-03 ]

10. Hamidi S, Rostami R, Farhoodi F, Abdolmanafi A. A study of comparison of alexithymia among patients with substance use disorder and normal people. Procedia Soc Behav Sci 2010; 5: 1367-70.

11. Davoudi I, Afshari A. Investigating the relationship between alexithymia and personality traits in students. Res Clin Psychol Couns 2011; 1(2): 137-50. (Full Text in Persian)

12. Lee YJ, Yu SH, Cho SJ, Cho IH, Koh SH, Kim SJ. Direct and indirect effects of the temperament and character on alexithymia: A pathway analysis with mood and anxiety. Compr Psychiatry 2010; 51: 201-6.

13. Evren C, Kose S, Sayar K, Ozcelik B, Borckardt J, Elahi J, *et al*. Alexithymia and temperament and character model of personality in alcohol dependent Turkish men. Psychiatry Clin Neurosci 2008; 62: 371-8.

14. Camcelikel F, Kose S, Erkormaz U, Soyar K, Elbozan Cumurcu B, Cloninger CR. Alexithymia and temperament and character model of personality in patient with major depressive disorder. Compr Psychiatry 2010; 51: 64-70.

15. Grabe HJ, Spitzer C, Freyberger HJ. Alexithymia and the temperament and character model of personality. Psychother Psychosom 2001; 70(5): 261-7.

16. Moarefzadeh S, Mansor S, Shafiabadi A. The study of the effects of teaching of contrastive trainings skills originated of Quran on reducing anxiety among high school girl students in Ahvaz. Q J Educ Psychol Islamic Azad Univ Tonekabon Branch 2010; 1(3): 19-32. (Full Text in Persian)

17. Tselebis A, Kosmas E, Bratis D, Moussas G, Karkanias A, Ilias L, *et al*. Prevalence of alexithymia and its association with anxiety and depression in sample of Greek chronic obstructive pulmonary disease (COPD) outpatients. Ann Gen Psychiatry 2010; 9(16): 1-7.

18. Mazaheri M, Afshar H. The relationship between alexithymia, depression and anxiety in psychiatric patients. J Fund Ment Health 2010; 12(2): 470-9. (Full Text in Persian)

19. Berthoz S, Consoli S, Perez-Diaz F, Jouvent R. Alexithymia and anxiety: Compounded relationships? A psychometric study. Eur Psychiatry 1999; 14: 372-8.

20. Makvandi B, Shehni Yeilagh M, Najarian B. The correalation of alexithymia with anxiety and depression in girl students of Islamic Azad University Ahwaz branch. J Sci Res Women Cult 2010; 2(6): 83-92. (Full Text in Persian)

21. Makvandi B, Heidari A, Shehni Yeilagh M, Najarian B, Asgari P. The relationship between alexithymia with emotional intelligence, anxiety and depression in boy students of Islamic Azad University, Ahvaz branch. Knowledge Res Appl Psychol 2012; 13(1): 83-91. (Full Text in Persian)

22. Karukivi M, Hautala L, Kaleva O, Haapasalo-Pesu KM, Liuksila PR, Joukamaa, M, *et al*. Alexithymia is associated with anxiety among adolescents. J Affect Disord 2010; 125: 383-7.

23. Byrne N, Ditto B. Alexithymia, cardiovascular reactivity and symptom reporting during blood donation. Psychosom Med 2005; 67: 471-5.

24. Bagby RM, Parker JDA, Taylor GJ. The Twenty-Item Toronto Alexithymia Scale-I: Item selection and cross validation of the factor structure. J Psychosom Res 1994; 38(6): 23-32.

25. Parker JDA, Taylor GJ, Bagby RM. The 20-Item Toronto Alexithymia Scale-III reliability and factorial validity in a community population. J Psychosom Res 2003; 55: 269-75.

26. Besharat MA. Reliability and factorial validity of Farsi version of the Toronto Alexithymia Scale with a sample of Iranian students. Psychol Rep 2007; 101: 209-20.

27. Besharat MA, Rostami R, Pourhosein R, Mirzamani M. Assessing reliability and validity of Farsi version of the Toronto Alexithymia Scale-20 in a sample if opioid substance use disordered patiens. Iran J Psychiatry 2006; 1: 133-9.

28. Svrakic DM, Draganic S, Hill K, Bayon C, Przybeck TR, Cloninger CR. Temperament, character, and personality disorders: etiologic, diagnostic, treatment issues. Acta Psychiatr Scand 2002; 106: 189-95.

29. Dadfar M, Bahrami F, Dadfar F, Younesi J. Investigating the reliability and validity of temperament and character inventory. Rehabil Res J 2010; 11(3): 15-24. (Full Text in Persian)

30. Pelissolo A, Lepine JP. Normative data and factor structure of the temperament and character inventory (TCI) in the Ferench version. Psychiatry Res 2000; 94: 67-76.

31. Ali Akbari Dehkordi M, Shaqaqi F, Kakou Jouybari AA, Zare M, Shayeqian Z, Amirabadi F, *et al*. An evaluation of psychometric properties of Cloninger's preschool temperament and character inventory (Ps-TCI). J Educ Meas 2012; 3(8): 39-63.

32. Kavyani H, Pournaseh M. Reliability and standardization the temperament and character inventory of Cloninger's inventory. J Med Coll 2005; 63(2): 89-98. (Full Text in Persian)

33. Mehrabizadeh Honarmand M, Geravand L, Arzi S. The effect of life skills training on martyrs's wives anxiety and aggression. Women Cult 2009; 1(1): 3-16.

34. Pouryazdi AR, Birshak B, Fata L, Dejkam M. The case-control study of defensive styles and state-trait anxiety in students that suffering from generalized anxiety disorder. Sci Res J Health Fund 2009; 11(11): 7-14. (Full Text in Persian)

[ Downloaded from pajoohande.sbmu.ac.ir on 2025-11-03 ]

35. Gros DF, Antony MM, Simms LJ, McCabe RE. Psychometric properties of the state-trait inventory for cognitive and somatic anxiety (STICSA): Comparison to the state-trait anxiety inventory (STAI). Psychol Assess 2007; 19(4): 369-81.

36. Kavyani H. Biological theory of personality (with Eysenck personality test (EPQ-R) and Cloninger test (TCI)). Tehran: Mehr Kavyan; 2007. p. 110-1. (Text in Persian)

37. Thompson J. Emotionaly Dumb. An overview of alexithymia. Australia: Soul Books; 2009. p. 26-48.

38. Thagard P, Frawley W, Smith RN. A proccessing theory of alexithymia. J Cogn Syst Res 2001; 2: 189-206.

39. Besharat MA. Alexithymia and interpersonal problems. Educ Psychol Stud Ferdowsi Univ 2009; 11(1): 129-45. (Full Text in Persian)

40. Robbins M. Primtive personality organization as an interpersonally adaptive modification of cognition and affect. Int J Psychoanal 1989; 70: 433-59.

41. Suslow TH, Junghanns K. Impairments of emotion situation priming in alexithymia. Pers Individ Dif 2002; 32: 541-50.

42. Thaghavi M, Najafi M, Kianersi F, Aghayan SH. Compare the alexithymia, style of defense and trait-state anxiety in patients with generalized anxiety disorder. J Clin Psychol 2013; 5(2): 67-76. (Full Text in Persian)

43. Motan I, Gencoz T. The relationship between the dimensions of alexithymia and the intensity depression and anxiety. Turk J Psychiatry 2007; 18(3): 1-11.

[ Downloaded from pajoohande.sbmu.ac.ir on 2025-11-03 ]